**٧٩ - تفاوت عقول**

و از حضرت عبدالبهاء است. قوله الجليل: "هو الله ای احبّای الهی و اماء رحمانی جمهور عقلا بر آنند که تفاوت عقول و آراء از تفاوت تربيت و تعليم آداب است يعنی عقول در اصل متساوی است ولی تربيت و تعليم آداب سبب گردد گه عقول متفاوت شود و ادراکات متباين و اين تفاوت در فطرت نيست بلکه در تربيت و تعليم است و امتياز ذاتی از برای هر نفسی نيست لهذا نوع بشر عموماً استعداد وصول باعلی المقامات دارند و برهان برين اقامه نمايند که اهالی مملکتی نظير افريقا جميع مانند وحوش ضاريه و حيوانات بريّه بی عقل و دانش اند و کلّ متوحّش يک نفس دانا و متمدّن در ما بين آنان موجود نه و بعکس آن ملاحظه مينمائيد که ممالک متمدّنه جميع اهالی در نهايت آداب و حسن اطوار و تعاون و تعاضد و حدّت ادراک و عقل سليم هستند الّا معدودی قليل. پس معلوم و محقّق شد که علوّ و دنوّ عقول و ادراکات از تربيت و تعليم و عدم آن است. شاخ کج بتربيت راست شود و ميوه بری جنگلی ثمر بستانی شود و شخص نادان بتعليم دانا گردد و عالم توحّش بفيض مربّی دانا جهان تمدّن گردد عليل بطبابت شفا يابد و فقير بتعليم فنّ تجارت غنی شود و تابع بسبب کمالات متبوع عظيم گردد و شخص ذليل بتربيت مربّی از حضيض خمول باوج رفيع رسد. اين است برهان آنان انبياء نيز تصديق اين رأی را ميفرمايند که تربيت نهايت تأثير در بشر دارد ولی ميفرمايند عقول و ادراکات در اصل فطرت نيز متفاوت است و اين امر بديهی است قابل انکار نه چنانچه ملاحظه مينمائيم اطفالی هم سن و هم وطن و هم جنس بلکه از يک خاندان در تحت تربيت يک شخص پرورش يابند با وجود اين عقول و ادراکاتشان متفاوت يکی ترقّی سريع نمايد و يکی پرتو تعليم بطئی گيرد و يکی در نهايت درجه تدنّی ماند خزف هر چه تربيت شود لؤلؤ لالا نگردد و سنگ سياه گوهر جهانتاب نشود و حنظل و زقّوم بتربيت شجره مبارکه نگردد يعنی تربيت گوهر انسانی را تبديل نکند ولکن تأثير کلّی نمايد و بقوّه نافذه آنچه در حقيقت انسان از کمالات و استعداد مندمج و مندرج بعرصه ظهور آرد تربيت دهقان حبّه را خرمن کند و همّت باغبان دانه را درخت کهن نمايد لطف اديب اطفال دبستان را باوج رفيع رساند و عنايت مربّی کودک حقير را بر سرير اثير نشاند پس واضح و مبرهن گرديد که عقول در اصل فطرت متفاوتست و تربيت را نيز حکمی عظيم و تأثيری شديد."